

نویسنده : کریس هیدس (Chris Hedges).

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز « »

برگردان : پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

مقابله با شکست در جنگ علیه

تروریزم

Reckoning with failure in the war on terror

عروج ویا تعالی **دونالد ترامپ** به مقام ویا سمت ریاست جمهوری ؛ همانطور که **ماکس بلومنتال** (Max Blumenthal) در کتاب بینش (مدیریت ناخود آگاه) خود به آن اشاره میکند و میگوید: ریاست امنیت ملی ایالات متحده امریکا چطور موجب ظهور ویا صعود سازمان القاعده و دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (ISIS) شد اوبه مدیریت خلع سلاح شده ای ایالات متحده **دونالد ترامپ** که با نابرابری عظیم اجتماعی و تمرکز ثروت و قدرت سیاسی در دست نخبگان الیگاریشی امکان پذیر شد نیز اشاره میکند که این نهاد قدرتمند یعنی ریاست امنیت ملی امریکا با مداخلات نظامی فاجعه آمیز طولانی مدت خود در خارج از کشور وضع را این چنین بحرانی و بی ثبات ساخته است . یکی از همچو مداخلات از سوی سازمان سیاه کمک بیش از یک میلیارد دلار به ستیزه جویان اسلامی در دهه (1970) در جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان بود . ویا همچنانیکه به ملیاردها دلار صرف آموزش و تجهیز جهادی های فراطگرایان شد طوریکه همین اکنون در سوریه در حال جنگ وجدال هستند . ایالات متحده امریکا بارها بارها خالیگاه قدرت دولتی را که خود موجب خالیگاه قدرت دولت ها شده است این خالیگاه قدرت را با پیشتیبانی از افراط گرایان پر کرده است . افراط گرایانی که در اکثر مواقع روی شان را بخاطر انتقام گیری بطرف حامیان ویا ولینعمت شان یعنی امریکا دور داده اند . و این واکنشگتن است که با ریختن نفت در هیزم درگیرها نفت میریزد و با این عمل خود به تشدید مخالفت ها دامن میزند . چهره هایکه علیه امریکا به مبارزه دست زده اند از جمله میتوان ایمن الظواهری و اسامه بن لادن را نام گرفت که آنها را در نهایت امر برای زمینه سازی رخداد یازدهم سپتمبر بکار برد یعنی که آنها را مسول

رخداد (9/11) ساخت واز سوی دیگر این امریکا است که اسلام گرایی مبهم را در اروپا ایجاد کرد یعنی جهان بینی نژاد پرستانه ای دونالد ترامپ را به تعریف میگیرد که با موفقیت مورد استفاده قرار گرفت که با توجیه آن میخواهد آزادی های مدنی و حقوق دموکراتیک را در اروپا ریشه کن سازد.

در اثر مداخلات آشتباه آمیز اداره ریاست امنیتی ایالات متحده امریکا ، به صدها هزار نفر زندگی خود را از دست دادند و بیش از (5) میلیون انسان نا امیدانه به اروپا پناهنده شدند ، اکثریت شهرها تخریب شد در حدود (5) تریلیون دلار ما لیه دهندگان امریکا هد رفت ، فساد ، و جنایت عجیب و غریب گسترش یافت . مامورین ویا کارمندان ریاست امنیت ملی بجایی که افزایش جهادگرایی را تضعیف میکردند ؛ گسترش آن را در سراسر جهان تضمین کردند و این معماران احمق امپریالیستی با کسانی که به تنفر از آنها متهم میشوند با یکدیگر دوستی میکنند ؛ دوافراطی رادیکال مدافعان دستگاه امنیت ملی وجها دی های رادیکال از همکاری با یکدیگر برای تظاهرات اعمال وحشیانه کاربیشتری را انجام میدهند دشمن بیشتر جنایتکار شما بیشتر افراط گرایی خود را توجیه میکند ؛ ما دریک بازی ورقص ترسناک با قاتلانی یا با جلادانی که ما خود ایشان را ایجاد کرده ایم ویا آنها را توانمند ساخته ایم می رقصیم وآن اینکه ما آنها را بیشتر توانمند ساخته ایم که بیشتر به جنایات جنگی دست زنند به شکنجه و قتل وقتال دشمنان ما بپردازند چونکه این خشونت غیر قابل تحمل و دارای یک حرکت تیره و تار است که از مدیریت وکنترول جلوگیری میکند این تضعیف نا امنی را که ادعا می کند تلاش برای از بین بردن الهام زدایی دشمنان جدید را تشدید میکند .

نبیل خوری (Nabeel Khoury) معاون پیشین ریس ما موریت ایالات متحده امریکا برای یمن در یک صحبت خبری خود اظهار داشت که (با حملات هوایی توسط هواپیماهای بدون سرنشین ایالات متحده امریکا چندین نفر از بدبین ها و از جمله شهروندان بی گناه در یمن کشته شده اند) و با توجه به ساختار قبلیه ای یمن ، ایالات متحده امریکا با از بین بردن هر عضو از سازمان القاعده در شبه جزیره عربستان در حدود (40) تا (60) نفر دشمن جدید را ایجاد میکند.

دیدگاه مضاعف ویا دوگانه از جهان که توسط ایدیولوگهای راستگرایی ما نند ریچارد پاپ (Richard Pipes) در جنگ سرد تعریف شده است : بعنوان یک نبرد برای مرگ و میر واز بین بردن کمونیزم بیخدایی توسط (بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و نومحافظه کاران امریکایی ما نند ما یک پمپیو ، جان بولتون ، فرد فلیتس ، رابرت کاگان ، ستیف بانین ، ویلیام بنیت ، ویلیام کریستول ، پل ولفویترز ، و دونالد رامسفلد و رهبران از مسیحان دست راستی از جمله گری بایر ، و ویلیام بنیت) است و آنهم بخاطر آغاز جنگ و مرگ میر بین «بربریت» اسلام و یهودیهای مسیحی متمدن با

اخلاق در غرب. که این خود باز خوانی جنگ سرد است. بنا بر این برای نیروهای عقب مانده سرمایه داری در خرد و کوچک کردن مخالفان، بویژه برای صنعت گران تسلیحاتی گوارا و سوداوریها شد که از برجسته ترین این بانگ و صدا زنان آنها جمیع عجیب و غریبی از ایدیولوژیهای نیوفاشیستی و نظریه پردازان توطئه گر مانند **بانن (Bannon) سون هانتی**، **استیفن میلروپام جیلیر** است و ادعا میکنند که «بارک اوباما» فرزند عشق **ملکوم ایکس** (یعنی از والدینی است که باهم ازدواج نکرده اند) است.

حالا میان این نظریه ویا ایدیولوژیهای ضد کمونیسم؛ با این نظراند که ایدیولوژی آنها نه تنها که تاریخ کمونیسم را بلکه متن و محتوی آن ایدیولوژی را پاک میکند ویا که از بین میبرد و کسانیکه با ما مخالفت می کنند از قلمرو و عقلانیت حذف میشوند و به آنها به کسان همچو اشخاص غیر قابل درک دیده میشود البته که نفرت آنها به ارتباط ما کدام توجیه مشخصی ندارد؛ آنها انسا های اند که باید از بین برده شوند چونکه آنها ما را بخاطر «ارزشهای» ما تحقیر میکنند یا به این دلیل که توسط یک شکل متزلزل از اسلام علیه ما رهبری ویا هدایت میشوند. شکست میخورند همانطور که **بلومنتال** می نویسد: برای جاگزین کردن ویا قراردادن ما در متن این درگیرها برای بررسی و همدستی خود ما ویا در تهیه و تدارک یک خشم قابل توجیه؛ خشم حتی که ما را به سوء تفاهم دایمی و جنگ دایمی متهم میکنند؛ پاسخ ما در برابر آن چنین است که ما باید خشونت را در داخل و در خارج از کشور هر چه بیشتر تر گسترش دهیم؛ همانطور که **بلومنتال** مینویسد ویا خاطر نشان میسازد؛ این پروژه عجیب و غریب، فضای شکننده ای که در آن جوامع چند اعترافی (*confessional*) زنده ماندند فرو میریزد فضای سیاسی را به اشکال افراطی بین جهادگرایان و ضد جهادی ها تقسیم میکند. این یک عادت و حتی بخشی از فضای آرامبخش (همبستگی تقویت کننده متقابل) را ایجاد میکند که به (احساس یک پارچگی در حال افزایش) بستگی دارد.

بکاربرد روش های محتاطانه توسط اداره امنیت یک کشور بویژه توسط اداره تحقیقات فدرال (*Federal Bureau of Investigation = FBI*) و سا زمان اطلاعاتی (*CIA*) برای توجیه و پیشبرد این جنگ ها بطور فزاینده ناخوشایند هستند. مسلمانانی که بسیاری از ضعف واز ناتوانایی های عاطفی و روحی رنج میبرند؛ توسط اجرای قانون به «توطیه های تروریستی» که چند نفر از آنها به تنهایی می توانند درک کنند یاسا زماندهی شوند سرکوب میشوند. دستگیری ها کنون کاملاً افشا شده و لغو این «توطیه های تروریستی» جدید؛ حضور جنرال های جهادی رادیکال در داخل کشور را بیش از پیش افزایش داده است. آنها در میان جمعیت ایالات متحده امریکا ترس را در معرض تب قرار میدهند؛ **تروور ارونسون (Trevor Aaronson)** نویسنده و مصنف (کارخانه

تروریسم) ترور را در داخل اداره تحقیقات فدرال (FBI) سازنده ای جنگ با ترور که تقریباً نیمی از همه مجازات های تروریستی بین مدت زمان (11) ماه سپتمبر سال (2001) تا سال (2010) صورت گرفته است و تا جاییکه درک شده است چنین بوده که اکثر همچو کار کردها و ترورها شامل مخبران و خبرنگاران و از جمله افرادی را که دارای پیشینه ای جرمی بوده اند و برای اداره تحقیقات فدرال در حدود مبلغ (یکصد) هزار دلار پرداخته بودند درمی یابد. **ارونسون** خاطر نشان کرد که دولت **جورج دبلیو بوش** سال قبل اعلام کرد که اداره او کسانی را که بخاطر ترور، تروریست دستگیر شده اند تحت تعقیب قرار نمیدهد؛ او اما چنین نیش زنی ها در دوران زعامت اداره «بارک اوباما» که یک روش تکنیکی بود عرض اندام کرد. **بلو منتال** در مورد آن می نویسد: «هما نظور که هر یک از جمهوریخواهان در مقابل تروریسم قرار می گرفتند؛ اداره «اوباما» طرحی را روی دست گرفت و دولت او اعلام کرد «دستگیری ناشی از تروریسم در هر (60) روز است. طوریکه **وارنسون** در مورد مینویسد که این پیشنهاد ویا این طرح چنین است که در ایالات متحده امریکا تعداد زیادی از تروریست های نامطلوب وجود دارند ویا اینکه اداره تحقیقات فدرال در ایجاد دشمن بسیا رشکارچی ماهر شده است.

این جنگ هرچه طولانی تر و گویج کننده تر «جنگ علیه تروریسم» تقریباً دوده است که طول میکشد و گفتمان ملی ما بیشتر غیر عقلانی میشود. روایات بیمارگونه و نژاد پرستانه ای از سمت راست؛ گفتمان اصلی را مسموم کرده اند؛ این مجازات و مداخلات نژاد پرستانه توسط کاخ سفید؛ اعضای کنگره و مطبوعات وابسته بارها بارها تکرار و ترویج شده است: یعنی «اسلام هراسی به زبان امپراتوری به زخمی مبدل شده است» بقسمیکه سروصداهای غم انگیز خشونت بدخواهانه از ریگزارهای عراق و گذرگاه های کوه ها و کوهستان های افغانستان بازگشته است نشان گرفتن در برابر مسجد در انتهای پابین جاده، حجاب در نقطه ای بازرسی، سیک (از اهل هنود) هنگام ثبت نام وقت اخذ پول از بانک... قسمیکه **بلو منتال** می نویسد: «همسایگان که مانند دشمن شبیه بودند.»

احزاب دست راستی دورمانده از این اسلامگرایی شگفت انگیز که به علت شکست های فاجعه آمیز در خاورمیانه و قدرت در آلمان، ایتالیا، فرانسه، سوئید، لهستان، و مجارستان تحت تاثیر قرار میگیرند، این نفرت و انزجار رسمی همچنین یک موضوع مرکزی از دولت **ترامپ** است که مسلمانان و بویژه مسلمانان مهاجر را تحقیر میکند و میخواهد که آنها را از ورود به امریکا محروم و قدغن کند.

ورود میلیونها پناهنده مسلمان در اروپا از کشورهای مانند لیبی، سوریه (که تنها یک میلیون پناهنده در اروپا دارد) عراق، و افغانستان بطور چشمگیری درخواست ویا

تجدید نظر نیوفاشیست های اروپایی را تقویت کرده است تا جاییکه (73) درصد از مردم بریتانیا برای خروج شان از اتحادیه اروپا رای دادند و ورود مهاجران را بعنوان مهمترین دلیل حمایت از همه پرسی اعلام کردند

جها دگرایان رادیکال از مدتها ابراز تمایل به خاموش کردن فضای دموکراتیک در غرب دارند. آنها آگاه هستند که محدود شدن آزادی های مدنی، انحلال نهادهای دموکراتیک، به ویژه نظام قضایی، و نفرت آشکار مسلمانان، مسلمانان غرب را در آغوش می گیرند. چنین شرایطی باعث بروز اشتباهات نظامی آمریکا و متحدانش در خارج از کشور می شود که جها دگرایان را بخاطر تا مین نیرومندی شان نیروهای جدید و دولت های شان را نابود می کند که تا بتوانند از آنها بهره برداری کنند. در این راستا است که استراتژی جهادی کاسمی که در سال قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال (2016) خشونت علیه مسلمانان در ایالات متحده افزایش یافت، از جمله تیراندازی و حملات طوفانی به مساجد. مخالفت عمومی مسلمانان، با توجه به نظرسنجی های عمومی، که کنون در رکورد بالائی قرار دارد.

حزب دموکرات که به نام جنگجوی همیشه جنگی توسط دولت امنیت ملی به نام مداخله بشردوستانه، به عنوان همدست و همکار است بوده است. از اینرو دولت «اوباما» نه تنها عملیات زخمی ویا نیش زنی در ایالات متحده را در برابر تروریست های احتمالی تسریع کرد، بلکه در عملیات خارجی خود، افزایش استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین نظامی را افزایش داد، نیروهای بیشتری را به افغانستان فرستاد و احمقانه اینکه رژیم «معمر القذافی» را در لیبی را سرنگون ساخت، و یک دولت پناهگاه امن برای جها دیان. بوجود آورد.

با در آغوش کشانیدن جها دگرایان رادیکال بطرح روحشیا نه ای نه آنها که بلومنتال را از دست دادند بلکه متعدد اکثر این جها دگرایان بواسطه اداره امنیت ملی همراه با اسرائیل بعنوان افزار ویا وسیله ای برای فشا ر وارد کردن ویا از بین بردن رژیم های مخالف اسرائیل و آمریکا مسلح و توانمند ساخته شدند.

توسط یک اخذ وگیرنده صوت از جلسه ای پنهانی «جان کیری» وزیر امور خارجه آمریکا در دولت «اوباما» با فعالین و مخالفان دولت سوریه چنین افشا شده است ویا که «جان کیری» اعتراف کرده که ایالات متحده آمریکا دولت اسلامی را بعنوان افزار بغرض وارد کردن فشا ر بر دولت سوریه مورد استفاده قرار داده ویا از آن استفاده کرده است او یعنی «جان کیری» همچنان اذعان کرده است که همدستی و اشنگتن در رشد دولت اسلامی در سوریه عامل اصلی مداخله روسیه در آن کشور بوده است. **ایفرایم انبار** (Efraim inbar) مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک؛ **بگین سادات** (Begin-)

(Sadat) طی سال (2016) در صفحه سرمقالات در تحت عنوان «تخریب دولت اسلامی بمثا به اشتباه ستراتیژیک» استدلال میکند: که «غرب باید بیشتر به دنبال تضعیف دولت اسلامی نسبت به تخریب کامل آن باشد» وی می افزاید که غرب باید از دولت اسلامی بعنوان یک ابزار «مفید» در مبارزه با ایران و در جنگ های نیابتی در مقابل حزب الله استفاده کند انبار (Inbar) نتیجه میگیرد و یا توافق نشان میدهد که یک دولت ضعیف اسلامی بطور غیر قابل انکار نسبت به تخریب کامل آن باید ترجیح داده شود او به دوام صحبت خود در ادامه درگیری در سوریه گفت که خون ریزی های فرقه ای گسترده باعث ایجاد «تغیر مثبت» خواهد شد.

موشه یالن، وزیر دفاع سابق اسرائیل، پیشتر در سال «2016» گفته بود: "در سوریه، اگر انتخاب میان ایران و دولت اسلامی باشد، من دولت اسلامی را انتخاب می کنم."
"اسرائیل به دنبال ایجاد مناطقی باقریب خود و حزب الله در جنوب لبنان است. این کشور همسایه سوریه را به دلیل اتحادش با ایران، به عنوان یک دشمن فانی می بیند. راه حل این است که این دشمنان سنتی را با تقویه کردن جهادی های سنی و القاعده به طور موقت زمین گیر ساخت. گذارش های متعددی از اسرائیل و ایالات متحده وجود دارد که اسرائیل از هواپیماها و ارتش هایش در سوریه برای کمک به جهادی ها استفاده می کند. واشنگتن و اورشلیم ادعا می کنند که می خواهند دشمنان خود را از روی زمین پاک کند."

بلومنتال استدلال میکند که این با تلاق سختگیرانه بطور مستقیم به شیطانیه کردن (demonization) روسیه منجر شد که با وجود این بی تفاوتی؛ باعث لفاظی ضد مداخله گر **ترامپ** شد یعنی که **دونالد ترامپ** این مداخله را نکوهش کرد آنچه که **بلومنتال** در مورد میگوید «این مسئله را در میان نخبگان سیاسی خارجی (هیستری وحشی) می نامند. **ترامپ** میگوید که حمله به عراق اشتباه بود او در مقابله با جهادگرایان سوریه و استقرار نیروهای ایالات متحده امریکا در سوریه پرسشهای را بعمل آورده و از **نا تو** انتقاد میکند و در عین زمان خواستار روابط بهتر با روسیه میشود.

بلومنتال می نویسد: با پیوستن به مرده های (Dead-Brend) مبارزات هیلاری کلنتون که از باعث ناامیدی و شکست؛ خرد و له شده بودند، ما مورین عالی رتبه ریاست امنیت ملی دولتی ارتباطات رسانه ای خود را برای تهیه و تولید روایت توطیه علیه روسیه گماریدند یعنی که توسط آن رسانه ها تیوری توطیه را علیه روسیه تدوین کردند که **بلومنتال** در این مورد مینویسد: به سبب ناامیدی که روح و روان لیبرالها و نخبگان امنیت ملی را فرا گرفته بود به آن شدند که از فرط خشم و غضب روسیه گیت (Russiagate) را بوجود آورند؛ این خشونت ملی؛ روسیه را برای داعش (isis) بعنوان شیطان جدید برای مردم عامه جاگزین کردند **وترامپ** سرخه را همچو رییس

جمهور ولادیمیر پوتین کا ندید منچورین (Manchurian = فردی که وفادار نیست یا کسی که به آن آسیب می رساند، کشور خود یا حزب سیاسی است زیرا آنها تحت کنترل یا نفوذ یک کشور یا حزب دیگر قرار دارند: ... تفصیل توسط این قلم) کردند .

بلومنتال مینویسد: تقریباً در حدود به صد ها هزار لیبرالان در مراسم و تظاهرات پیاده رویی در خیابان ها با حمل کردن پلیکاردهای نشانی شده با فوتوی دونالد ترامپ در لباس روسی احاطه شده در پرچمهای با سمبل داس و چکش رجه رفتند بلومنتال می افزاید : که در کنار همچو پلیکارد ها ؛ سازمان های اعم از (اف بی آی) جامعه اطلاعاتی و سازمانهای که موجب اذیت و آزار نیروهای چپ شده بودند آنها را در پلیکاردها بشکل قهرمانان قومی نشان داده بودند و در عین زمان (ناتو) را که در واقعیت بعنوان ابزار مورد استفاده برای بی ثبات کردن خاورمیانه و افزایش تنش ها با روسیه بخاطر گسترش آن در کشورهای اروپای شرقی میتوان توصیف کرد آنرا مقدس و قربانی شونده نشان داده بودند .

رهبر حزب دموکرات نظر به عقده روحی خود ناشی با ترویج از مداخله احتمالی مسکو مشتقانه نو محافظه کاران دوره عصر **بوش** را بازسازی و سر حال کرد؛ ویلیام کرسستول (William Kristol) موسس « پروژہ برای قرن جدید امریکا » و دیوید فرم (David Frum) موجد ویا نویسنده طرح « محور شرارت » را به رده های به اصطلاح «مقاومت» یاد کردند .

بلومنتال مینویسد: مرکز و محراق انکشاف و پیشرفت برای امریکا از اتاق تنویر معاون نیمه دولتی حزب دموکرات یک پارچه کردن ویا متحد ساختن نیوکان های « نومحافظه کاران امریکا » لیبرال را با پیوستن شان به مشارکت رسمی کار با موسسه یا انستیتوت های تجارتنی امریکا ، لانه ای نیوکان های جنگ عراق را در مقابل روسیه برانگیخت ویا به شورش آورد ویا آنها را برضد روسیه واداشت ؛ کسانیکه مسولیتی در رسانه های دارند یا که رسانه ها را در تحت نظر دارند روایت یا داستان روسیه را مورد سوال قرار میدهند و پیوسته فاجعه های امپریالیستی را که در این دوره های اخیر در نسخه جنگ سرد مطرح شده است ویا که آنرا بعنوان عوامل قدرت خارجی شناسایی کرده اند (الگوریتم های گوگل ، فیس بوک ، یوتیوب ، و تویتر تصادف شده است) که از انتقادات سیاست مداران نظیر **بری سندرز** (Berni Sanders) ، **وجرمی کربین** (Jeremy Corbyn) رهبر حزب کارگران انگلیس که در برابر جنجال برانگیخته فشارمی آورند از نظر ها و ملاحظات بینندگان دور ویا منحرف سازند ویا باهمان جنجال های ناخوشایند روبروشوند . بلومنتال می افزاید : یک واقعیت انکارناپذیر تلخ که از سوی صنعت جنگ و مداخله گران برای غلبه و تفوق

طلبی عرض وجود کرده است؛ همانا بزرگترین اشتباه استراتژیک در تاریخ امریکا است که نشاندهنده ای پایان هژمونی امریکا در جهان است.

بلومنتال می گوید: "در مواجهه با شکست خود، نخبگان امنیت ملی امریکا موفق به ساخت یک جنگ سرد جدید شده اند و اینرا نشان می دهد که جنگ منجر به حفظ مدیریت خود در جوامع بیرونی در خارج از کشور و بازپس گیری وحشتناکی که در خانه شایسته است را به تعویق انداخت."

دولت شرکتی، بخاطر مشروعیت خود در تطبیق آنچه که میخواهد، تلاش می کند تا ما را تهدید کند تا کنترل خود را بر نهادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی حفظ کند. که این خود نیز به دشمنان فجیعی نیاز دارد، که تهیه و تولید آن در واقعیت، چه در خانه یا خارج از کشور، بخاطر ضرورت است که بتواند سوء مدیریت و فساد آنها را پنهان کند. این روایت ترس از آن است که آنتونیو گرامشی آنرا "دکترین مشروعیت" نامیده است. این مسئله درباره ساختن ما نیست. در حقیقت سیاست هایی که دولت دنبال می کند، ما را امن تر می کند، بلکه ما را در تسلیم به اراده نخبگان قرار می دهد. بیشتر نابرابری و بی عدالتی رشد می کنند، بیشتر آموزه های مشروعیت برای حفظ ما و سازگاری با آن استفاده می شود. این آموزه به معنای آن است که دشمنان ایالات متحده هرگز نابود نخواهند شد، بلکه جهش و گسترش خواهند یافت؛ آنها بسیار مفید هستند تا مجاز به نابودی شدن شوند. این بدان معنی است که زبان اصلی دولت ترس است و از آنجا یک دولت امنیت ملی این بازی را بازی می کند، بیشتر دولت نوع فاشیست آمریکایی است.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

کریس هجز، نزدیک به دو دهه به عنوان یک خبرنگار خارجی در آمریکای مرکزی، خاورمیانه، آفریقا و بالکان گذرانده است. او از بیش از 50 کشور گزارش کرده است و برای مؤسسه ی مسیحیان علمی، رادیو ملی، روزنامه صبحگاهی دالاس و نیویورک تایمز کار کرده است، که برای 15 سال به عنوان خبرنگار خارجی بود.

https://www.truthdig.com/author/chris_hedges

----- **با تقدیم سلامها «2019-04-14»**